

ریشه‌یابی درخت کهن

بدرام بیضا

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

ریشه‌یابی درخت کهن

۷	پیشگفتار
۲۳	از اژدهای خشکسالی تا پهلوان خدای باروری
۴۱	شهرناز و ارنواز
۸۳	همانندی‌ها و دگرگونی‌ها
۱۱۹	نگاره‌ها

۲ / از اژدهای خشکسالی به پهلوان / خدای باروری

□

در نسل من بسیارند کسانی که در کودکی این داستان را از مادربزرگ شنیده‌اند: داستان اژدهای هراس‌آوری که به آبادی حمله می‌کند و چشمه‌ها را می‌بندد. پادشاه در چاره‌ی او درمی‌ماند؛ و تا اژدها ویرانی و آزار کم کند، دختر پادشاه را به او می‌دهند [یا خودِ دختر خواهانِ رفتن می‌شود] که بنابر سنت قصه‌ها زیباترین دختر آبادی است [و گاهی حتی دختر زیبای وزیر را هم]؛ و سپس روزی یک جوان را می‌دهند تا ببلعد. سرانجام پهلوانی پیدا می‌شود. معمولاً او سومی از سه برادر است؛ کوچکترین، و مورد رشک دو برادر بزرگتر.^۱ اژدها را می‌کشد و دختر پادشاه [و وزیر] را نجات می‌دهد؛ و

۱. «قهرمان نوعی اصلی [قصه‌های عامیانه‌ی ایرانی] شاهزاده است... و معمولاً سومین یا کوچکترین پسر شاه است، درحالی‌که دو برادر بزرگتر نقشهای منفی به عهده دارند... بر دیوها و عفريت‌ها پیروز می‌شود... سرانجام به شاهزاده خانم محبوب خود می‌رسد.» طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی. اولریش مارزلف. ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری. انتشارات



درست مثل خدای کهن هندی بر گاو سفیدی می‌نشیند.^۱ و آنها که بیشتر می‌دانند، می‌دانند که نه افسانه‌ی هندی از ایران گرفته شده و نه افسانه‌ی ایرانی از هند؛ بلکه در پهنه‌ی وسیعی از فرهنگ و آیین، سرچشمه‌ی هر دو یکی است.

گنو ویدن گرن گوید: «جشن سال نو جایگاه اساسی در آیین قدیمی ایران داشته است. این جشن همواره روی گشتن یک اژدها تمرکز یافته بود. متأسفانه آثار این جشن در متن‌های زرتشتی تقریباً محو شده است... به قسمی که معنای اسطوره‌ای این مراسم ایرانی را جز از راه مقایسه با عناصر مربوط به جشن هندی سال نو نمی‌توانیم به دست آوریم». و سپس طرح این جشن آیینی را از روی منابع هندی می‌آورد: «اژدهایی فرمانروای زندگی است و خشکسالی در کشور برقرار است. پهلوانی خدایی پدیدار می‌شود... بر غول غلبه می‌کند... آنها را آزاد می‌گرداند و به اسارت زنهایی که اژدها... به بند کشیده بود پایان می‌بخشد. آن‌گاه باران از سر نو، زمین را بارور می‌سازد و خدای جوان به ازدواج مقدس با زنهایی که رهایی داده می‌پردازد...^۲». ویدن گرن تأکید می‌کند که: «در نزد هندی‌ها، ایندِر^۳ — خدایی که اژدها را

۱. «مرکب شیوا shiva یک گاو نر سفیدرنگ است (که در اصل مرکب ایندِر بوده). در ایران فریدون بر گاو نر سفیدرنگ سوار می‌شود». دینهای ایران. گنو ویدن گرن ترجمه‌ی دکتر منوچهر فرهنگ. انتشارات آگاهان ایده — ۱۳۷۷. ص ۷۸.
۲. دینهای ایران. گنو ویدن گرن. پیش‌گفته. ص ۶۹ و ۷۰.
۳. ایندِر Indra که در اساطیر هند و ایرانی و ادبیات وِدایی «خدا» است، در ادبیات اوستایی و پهلوی «دیو» خوانده شده؛ ولی لقب او — کُشنده‌ی دیو ورتَرَه — [یا: ورتَرَهَن = ورتَرَهَنَه اوستایی = ورتَرَهَم، و سپس وهرام پهلوی = وهاگن Vahagen ارمنی = بهرام فارسی] جداگانه به ایزد بهرام داده شده که بر دیوان پیروز می‌شود. از سوی دیگر، در ریگ‌ودا، ایندِر دوست و یار تریته خوانده می‌شود [گزیده‌ی سرودهای ریگ‌ودا. پیش‌گفته. ص ۶۳ و ۱۷۲] ولی در ایران — با دیو شدن ایندِر — تریته آبتیه [فریدون آبتین] جای او را در اژدها کُشی می‌گیرد.

گاهی دو برادر بزرگتر خود را نیز. با مرگ اژدها طلسم وحشت می‌شکند و پهلوان در پاداش این دلآوری طی جشنی همگانی با دختر پادشاه [یا هر دو دختر] ازدواج می‌کند و گاهی شاه جای خود را به او می‌دهد و برکت و آسایش به آبادی برمی‌گردد. به گمان من داستان ضحاک، شهرناز، ارنواز، با همه‌ی قدمت و معنا همین است؛ و پهلوانی که در پایان اصل اسطوره‌ای به کُشتن ضحاک [اژی دهاک] می‌آید فریدون آبتین است.^۱ برادر سومی که از دو برادر مهتر خود برتر است. در واقع او میان دو برادر بزرگترش کتایون [شاهنامه: کیانوش] و برمایون، چهره‌ی یک خدای باستانی هندی را دارد و

سروش — ۱۳۷۱، ص ۴۲.

— در شاهنامه عیناً چنین صحنه‌ای هست که دو برادر بزرگتر فریدون [پسر سۆم] با فرو غلتاندن سنگی از کوه، آهنگِ جان وی می‌کنند؛ صدای غلتیدن سنگ فریدون خفته را بیدار می‌کند و با نگاه سنگ را بر جا می‌ایستاند. بر خلاف تصوّر برخی که فکر کرده‌اند این قطعه از ملحقات است، در چهارچوب اسطوره درست می‌نشیند؛ و حتی اگر فردوسی هم آن سروده باشد، باز سروده‌ی کسی است در نزدیکی همان تاریخ؛ و حفظ آن از لحاظ اسطوره‌شناسی مهم است. مقایسه شود با زیرنویس بعدی: دو برادر بزرگتر برادر کوچکتر را به چاه می‌افکنند.

۱. تریته آپتیه — *Trita Aptya* معادل فریدون آبتین در فرهنگ ودایی هند. تریته یعنی سۆم؛ و آپتیه یعنی مستقر در آبها [ص ۴۱۱] و همین آپتیه است که آبتین شده — نام پدر فریدون. تریته خدایی است — با اهمیت کمتری از ایندر — که همچون او با وریتره در جنگ است. جای او گاهی در آبهای میان نزارها تصوّر شده [ص ۱۱۱]؛ و پَرورَندَه‌ی سوما — آشامیدنی مقدّس خدایان — است [ص ۱۵۵ و زیرنویس آن]. رک: گزیده‌ی سرودهای ریگ‌ودا. پیش‌گفته. صفحات یادشده.

— «در اسطوره‌ها و افسانه‌های بعدی هند، تریته برادر سۆم از سه برادر دانسته می‌شود که دو برادر دیگر، او را به چاه آبی می‌افکنند —». پژوهشی در اساطیر ایران. مهرداد بهار. انتشارات آگه — ۱۳۷۵، ص ۴۷۴.